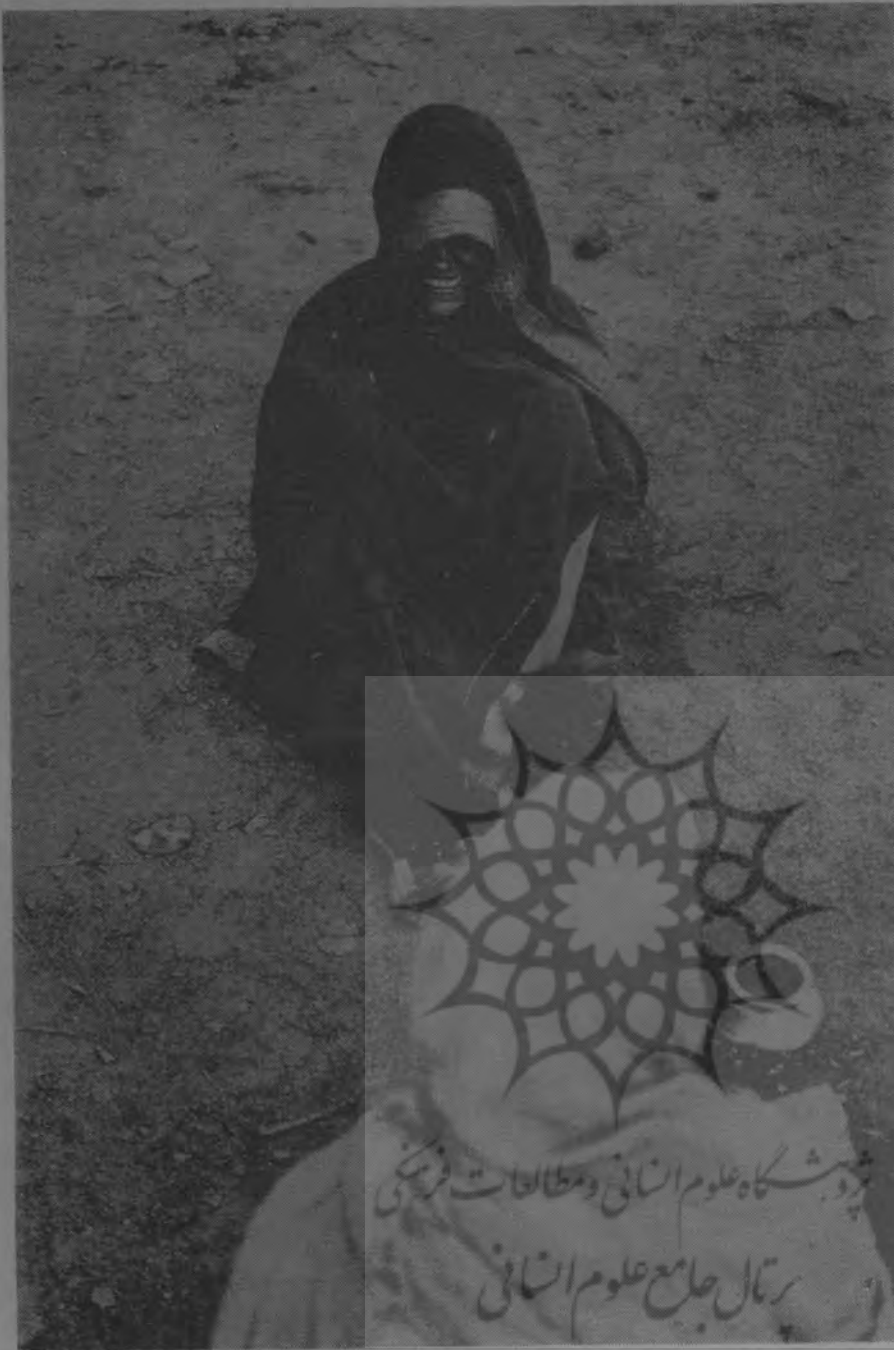


گونار میردال

ترجمه : قهرمان قدرت نما

( بابك قهرمان )

# مسائل دهقانی وراههای توسعه در جهان سوم



کشورها ، اشتغال کافی بوجود نخواهد آورد . این بدان دلیل است که کارگر مورد نیاز حاصل از صنعتی شدن علاوه بر اینکه به سرعت رشد صنعتی بستگی دارد از سطح پائین شروع این رشد نیز تأثیر می پذیرد .

اگر ، آنطور که علی الظاهر معتدل بنظر میرسد ، سرمایه و منابع انسانی - که حتی اگر کشورهای پیشرفته کمکهای خود را از حد فعلی بسیار بالاتر برند ، دارای محدودیتند - اغلب در صنایع کاملاً نو و بزرگ بکار

کشورهای فقیر و غنی غیرممکن خواهد بود . کشورهای عقب مانده باید از گذشته خود و شکافی که بین آنها و کشورهای پیشرفته بوجود آمد پند بگیرند و در برنامه های توسعه خود به صنعتی کردن اهمیت خاصی به بخشند . در این مورد ، ذکر چند نکته ضروری است . اول اینکه ، برای چندین دهه آتی ، صنعتی کردن حتی با سرعتی بسیار بیشتر از آنچه که اکنون اغلب کشورهای عقب مانده دارند ، برای نیروی کارگر عاقل و نیمه استفاده شده (۱) این

در واحد سطح بالاست صادق است و باید عملی شود . کشوری مانند هندوستان ، که جمعیت آن در انتهای این قرن دو برابر خواهد شد نمی تواند بدون بکار گرفتن نسبت بزرگی از نیروی کار خود در صنعت ، سطح زندگی بسیار پائین فعلی را بالا ببرد . این مطلب ، پیشرفت کشاورزی هندوستان هرچه باشد ، در هر حال صادق است . بطور کلی ، اگر کشورهای عقب مانده بطور فزاینده ای صنعتی نشوند ، جلوگیری از افزایش شکاف روزافزون بین درآمد

اولین مسئله ای که می خواهم مطرح کنم اولویتی است که باید در اوضاع و احوال فعلی کشورهای عقب مانده ، برای صنعت و کشاورزی قائل شد .

روشنفکران کشورهای عقب مانده اغلب تمام امیدهای خود را به صنعتی کردن کشور خود می بندند . از همین آغاز بگویم که من نمی خواهم از این مقاله نتیجه بگیرم که کشورهای عقب مانده نباید برای توسعه صنایع خود کوششی بعمل بیاورند . این بخصوص در کشورهایی که در آنها جمعیت

گرفته شوند ، کارگر مورد نیاز اضافی ناچیز خواهد بود . بعلاوه ، چون با صنعتی کردن ، کارایی صنایع کارگر طلب (۲) بالا می رود ، و چون این صنایع دیگر نخواهند توانست با صنایع جدید به رقابت به پردازند ، تأثیر نهائی بر روی میزان کارگر مورد نیاز منفی خواهد بود : در این حالت کار آمد کردن صنایع (۳) بیشتر از آنچه که کارگر جذب کند ، کارگر حتمی میکنند . از این دیدگاه که بنگریم ، توسعه صنعتی بمنظور صدور و جایگزین کردن کالاهای وارداتی علاوه بر فوایدی که معمولا مورد نظر است ، خود سودبخش است . ولی هیچیک از کشور های عقب مانده نمی توانند فقط در این جهات صنعتی شوند . این بدان معناست که در مراحل ابتدائی صنعتی شدن همیشه اثرات « معکوسی (۴) » وجود دارد که فعالیت های اشتغال زا را کم اثر ، یا بی اثر و یا منفی می سازند .

در مطالعه ای که در مورد توسعه جمهوریهای آسیای مرکزی اتحاد جماهیر شوروی توسط دفتر اقتصادی اروپا بعمل آمد معلوم شد که علیرغم صنعتی کردن شدید ، برای مدت دو دهه از میزان کارگر مورد نیاز در صنایع کاسته شد . و تا وقتی که سطح توسعه صنعتی یحد بالائی نرسید ، رشد سریع آن باعث جذب کارگر بیشتر و متناسب با این رشد نشد . بهمین نحو ، مقایسه آمار سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ هند - کشوری که نه تنها در ضمن حمایت از صنایع سنتی خود به صنعتی کردن پرداخت ، بلکه آت را در جهت تولید برای جایگزین کردن واردات هدایت کرد - نشان میدهد که صنعتی کردن تأثیری بر روی تعداد کارگران کشاورزی و یا آنهائی که از طریق کشاورزی روزگار می گذرانند نداشت .

### افزایش سریع جمعیت

وقتی می گوئیم که تا چندین دهه آتی صنعتی کردن بر روی میزان اشتغال کشورهای عقب مانده ای که از امکانات صنعتی پائینی شروع کرده اند تأثیر قابل ملاحظه ای نخواهد گذاشت ، این نکته رانیز باید در نظر داشته باشیم که در

همین دوره نیروی کار در تمام کشورهای عقب مانده بمیزان ۲ صد در سال ، و در بعضی بیشتر از این افزایش خواهد یافت . در این باره باید گفته شود که کاهش میزان تولد و تناسل ، بخصوص يك کاهش تدریجی ، برای مدت پانزده سال بر روی حجم نیروی کار هیچگونه تأثیری نخواهد داشت ، و تازه پس از سی سال تأثیر بسیار کمی خواهد گذارد .

در اینجا باید یادآور شد که نه تنها در کشورهای عقب مانده کنترل باروری از روی خود - انگیزگی مردم بوجود نخواهد آمد ، بلکه يك چنین کاهش فقط از طریق سیاستهای تنظیم خانواده دولت انجام خواهد پذیرفت . در هیچ کشوری تاکنون يك چنین سیاستی که بطور موثری اجرا و موثر فایده ای شده باشد وجود نداشته است . بعلاوه ، در صد فزاینده جوانان در کشور های عقب مانده نشان میدهد که در آن میزان تولد و تناسل سرعت زیادی بالا خواهد رفت . درست است که سیاست تعدید مولد تا سی سال آینده تأثیر زیادی بر روی حجم نیروی کار نخواهد داشت ، ولی معهدا اثرات فوری و موثر آن بر روی توزیع سنی جمعیت و در نتیجه بر روی درآمد سرانه ، قدرت پس انداز و قابلیت تولید کار کارگر چشمگیر خواهد بود . بنابراین بر تعجب نیاید که تولید مولد دارای اهمیت و قوت فراوانی است . لیکن اینکه مسئله افزایش جمعیت را همان مسئله « ایجاد اشتغال » برای حل آینده بدانیم درست نیست . زیرا که برای این نسل افزایش نیروی کار هیچ ربطی بمیزان باروری ندارد . نتیجه واضح است : اگر ،

برای چندین دهه ، از طریق صنعتی کردن اشتغال زیادی بوجود نیاید ، چون در هر حال میزان نیروی کار بین ۲ تا ۴ درصد در سال افزایش خواهد یافت ، بنابراین باید قسمت اعظم این نیرو در خارج از بخش صنعتی یعنی کشاورزی مشغول شود . در اینجا می خواهیم با عرض معذرت بذکر نکته ای که موجب تعجب من شده است بپردازم . و آن اینکه اقتصاددانانی که مدام از صنعتی کردن بعنوان وسیله ای برای جذب

نیروی کار فزاینده کشور های عقب مانده یاد می کنند ، این حقایق ساده را در نظر نمی گیرند . در واقع آنها ، اغلب صحبت از کاهش نیروی کاری که هم اکنون دست اندر کار کشاورزی است می کنند . در بحث هائیکه درباره صنعتی کردن بعنوان يك نیروی بویا در اقتصاد کشورهای عقب مانده بعمل می آید ، چنین گفته میشود که توسعه صنعتی بر روی دانش و گرایش های تکنیکی ، تحرك ، پذیرا بودن آزمایش و تغییرات ، کوشش ها و کارائی حتی بخش های بیرون از صنعت تأثیر می گذارد . متاسفانه باید گفت که این تأثیرات جانبی خود از آنچه که هم اکنون در این حوزه ها بعمل آمده است ، تأثیر می پذیرند . تجربه بسیاری از کشورهای عقب مانده در دوران استعمار ، که در آنها صنعتی کردن شتاب آلود موجب بوجود آوردن حوزه های پیشرفته مجزا و تافته های جدا یافته و غریبی نشد ، نشان میدهد که تأثیرات جانبی فوق ناچیز خواهند بود . بگمان من بسیاری از کشورهای عقب مانده در توسعه صنعتی خود دارند همان شیخ حلق حوزه های کوچک پیشرفته و مجزا در يك اقتصاد گسترده ولی عقب مانده و راكد می رسند . خلاصه کنم : آنچه که من می خواهم برنامه بسیار بزرگتری است . برنامه ای که اصلاحات و تغییرات اساسی در نیروی کار و کشاورزی در بر گیرد .

### توسعه کشاورزی

دوباره تکرار می کنم که این گفته ها نه بدان معناست که کشورها نباید با شتابی هر چه بیشتر به توسعه صنعتی خود پردازند ، برعکس باید هر چه زودتر و هر چه سریعتر از دوره انتقالی صنعتی شدن - دوره دراز مدتیکه توسعه صنعتی تأثیر زیادی در ایجاد اشتغال ندارد و تأثیرات جانبی آن حداقل است - گذشت . ولی آگاهی به این حقایق شاید موجب شوند که در جهات دیگر اقدامات جدیئی بعمل آید . این بخصوص در شرایط فعلی کشورهای عقب مانده که نباید برای جلوگیری از سر - خوردگیهای توسعه صنعتی احتمالا شکست آنها از هیچ کوششی فرو

گذار کرده ضروری است . در واقع ، اگر برنامه های گسترده ای برای توسعه در تمام جوانب وجود نداشته باشد ، حتی شدیدترین تلاش ها برای صنعتی کردن ، جلودار فقر فزاینده ، بخصوص در کشورهای فقیرندیای عقب مانده نخواهد شد . تا بحال کشاورزی بزرگترین بخش اقتصاد کشورهای عقب مانده بوده است . معمولا بیش از نیمی - و در بسیاری از کشورهای عقب مانده تا ۸۰ درصد - کل جمعیت نان خود را از زمین در می آورند . دلیل مستقیم فقر ، و در نتیجه عقب ماندگی ، در این کشورها بهره دهی (۵) بسیار پائین کار در بخش کشاورزی است . این توهم خطرناکی خواهد بود اگر باور داشته باشیم که بدون بالا بردن اساسی بهره دهی کار در کشاورزی ، بتوانیم توسعه اقتصادی بالائی داشته باشیم .

با در نظر گرفتن این حقایق که اولاً تا انتهای قرن حاضر برمیزان نیروی کار افزوده خواهد شد و ثانیاً صنعتی کردن اگر از نیروی کارگر مورد نیاز نکاهد بر آن نخواهد افزود ، به نتیجه جالبی می رسیم که خواه ناخواه باید در سیاست های آینده ما موثر واقع شوند . و آن اینکه هرگونه سیاست کشاورزی واقع گرایانه باید افزایش بیش از اندازه نیروی کار در بخش کشاورزی را از نظر دور ندارد ، در مدت زمان تقریباً طولانی که توسعه صنعتی نمی تواند بطور ملموسی برمیزان اشتغال بیفزاید یعنی دوران انتقال - قسمتی از مازاد نیروی کار کشاورزی از فقر و رنجی کسه بر او می رود می گیرند و بشهرها روی می آورند . این فرد در شهرها بکارهایی دست می زند که در حقیقت باید جزو همان مقوله استفاده ناقص از نیروی کار کشاورزی دانست . بدین معنی که به خرده فروشی و خدمات ناچیز مختلفی روی می آورند ، و یا برخیل متقاضیان کارهای عجیب ، بیکاران و گدایان می پیوندند ، شهری کردن ، یا شهرنشین شدن (۶) در کشور های عقب مانده در هر مقیاسی که باشد ، متاسفانه نمی تواند با صنعتی کردن یکی انگاشته شود .

این امر که در هر نوع برنامه‌گذاری باید افزایش سریع نیروی کار کشاورزی را در نظر داشت، وقتی اهمیت اساسی پیدا میکند که بدانیم که از نیروی کار بعضی نیز در مقیاس وسیعی بطور کامل استفاده نمی‌شود - چیزی که به « اشتغال ناقص » معروف شده است. بنابراین یک سیاست منطقی کشاورزی بایدطوری انتخاب و اعمال گردد که از یک نیروی فزاینده کار بدون اشتغال و یا با اشتغال ناقص بالاترین استفاده را بعمل آورد. در ضمن متذکر می‌شویم که بدلائل متعدد، این ضرورتی است که هیچ یک از کشورهای کاملاً مترقی امروزی در دوران توسعه خود با آن مواجه نبوده‌اند. اسباب تعجب است که هیچ‌جا این چنین نتیجه‌گیری واضحی را متذکر نمی‌شوند و بدان اهمیت نمی‌دهند.

## اصلاحات ارضی

در یک مقاله کوتاه نمی‌توان مفاهیم فرعی نتیجه‌گیری فوق را در برنامه‌ریزی کشاورزی جزء جزء شرح داد، فقط می‌توان بگویم که یک توسعه کشاورزی موفق وقتی امکان پذیر است که برای کشورهای عقب مانده از تکنولوژی کاملاً نوئی استفاده بریم. تا به حال هیچ پایه‌ای علمی که بر تحقیقات فراوان استوار باشد و شرایط اقلیمی مناطق استوایی و نیمه استوایی اغلب کشورهای عقب‌مانده را در نظر داشته باشد، بوجود نیامده است.

این کشورها و بقیه بشریت باید بالاخره راهی برای استفاده کامل از نیروی عاطل و فزاینده کار کشاورزی پیدا کنند. در این مورد توهمید نمی‌توان بود. زیرا که بهره دهی زمین در کشورهای عقب مانده بسیار پائین است. بنابراین باید راههایی وجود داشته باشد که از طریق آنها بتوان با استفاده از کارگر بسیار فراوان‌تر و کارائی بیشتر میزان تولید در واحد سطح را بیش از زمانیکه در استفاده از کارگر حد متعادل را رعایت می‌کنیم، بالا برد.

پس از آگاهی باین مسئله، به این حقیقت می‌رسیم که مانع اصلی بانجام رساندن گفته فوق،

سیاسی و نهادی است. در بسیاری از کشورهای عقب مانده قدرت در دست مرتجعانی است که برای حفظ منافع خود، شاید به غلط، در جلوگیری از هرگونه تغییر در نظام زمینداری و مالکیت آن که موجب آگاهی دهقانان از سرنوشت خود و تغییر آن می‌گردد، از هیچ کوششی کوتاهی نمی‌کنند. حتی در کشورهایی که مردم از موهبت داشتن رهبران ملی آگاهی برخوردار دارند، مالکان، سلف خران و صرافان و واسطه‌های دیگر از قدرت خود برای خنثی کردن اصلاحات قوانین و نظام قانونگذاری استفاده می‌جویند. و دهقانان که تا گلو در بی‌تفاوتی و بی‌خیالی، چهل و خرافات زانده از فقر فرو رفته‌اند، بعالت همین بی‌تفاوتی اعتراضی بعمل نمی‌آورند.

این را همگان قبول دارند، سازمان کشاورزی و خواروبار جهانی مسئله را مطالعه کرده و تصمیماتی درباره اصلاحات ارضی و تدابیر مشابه از طرف دفتر اقتصادی و اجتماعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد اتخاذ گردیده است. ولی در عمل در بسیاری از کشورهای عقب مانده کار مهمی صورت نپذیرفته است. با بالا رفتن مداوم نیروی کار کشاورزی که بدون توسعه اقتصادی سریع، خود دارد به نابرابریهای بیشتری می‌انجامد - وضع بسیار وخیمی در حال تکوین است. اگر امیاری از کارشناسان کشاورزی در دنبال کردن قضیه، طغره رفتن از آن و پرداختن به مسائل تکنولوژیکی نیز بر وختام وضع افزوده است. این عاقبتی است که از سنتهای استعماری نتیجه شده است. سازمان کشاورزی و خواروبار جهانی در برنامه مبارزه با گرسنگی (۷) بر روی سطح بهره دهی بسیار پائین کارگر و زمین در کشورهای عقب مانده، تاکید فراوانی کرده است.

کشورهائی با جمعیت چندصد میلیون مانند هندوستان و پاکستان - که در هر دو بیش از دو سوم نیروی کار در بخش کشاورزی اشتغال دارد - از لحاظ وضع تغذیه در سطح پائین‌تری از حد مطلوب قرار دارند و اتکالی آنها به صدقه‌های غذایی آمریکا روز بروز بیشتر میشود. تولید مواد غذایی در جنوب

آسیا در نوبه دهه اخیر روند معکوسی داشته است. این ناحیه که روزگاری اضافه تولید داشت حالا کمیبود دارد. تجربه‌های غم انگیز آمریکای لاتین در دوره پس از جنگ، تورم‌های وسیع، و عقب ماندگی آن، باین حقیقت بی‌ارتباط نیست که منافع ریشه‌داری تا بحال جلوی بسیاری از اصلاحات ارضی و کشاورزی و در نتیجه توسعه کشاورزی - و اثرات مثبت یا منفی آن بر روی توسعه صنعتی - را سد کرده‌اند.

مطابق محاسبه‌های سازمان کشاورزی و خواروبار جهانی در حدود نیمی از جمعیت دنیا از گرسنگی و یا از بدی تغذیه فنج کننده‌ای رنج می‌برند - و این عده در کشورهای عقب‌مانده می‌زیند. و اغلب این‌ها را توده‌های دهقانان تشکیل میدهند.

سازمان مزبور با در نظر گرفتن افزایش جمعیت، بدین نتیجه رسیده است که برای فراهم آوردن یک سطح معقول تغذیه برای تمام جمعیت جهان، حجم تولید مواد غذایی تا سال ۱۹۸۰ باید دو برابر و تا سال ۲۰۰۰ سه برابر شود. مطالعات خود من این پیش‌بینی‌ها را خوش بینانه نشان میدهند.

دو نکته روشن است. اول آنکه، قسمت اعظم اضافه مواد غذایی مورد نظر باید در کشورهای عقب مانده تولید گردد، و این در صورت بلواژگون کردن وضع فعلی کشاورزی امکان پذیر است. دوم، شکست در تیل به این هدف فاجعه جهانی ترسناکی بهمراه دارد.

## برنامه‌ریزیهای سرسری

با توجه به این نکات است که می‌توان متوجه خطرات صنعتی کردن بعنوان درمان تمام دردهای توسعه نیافتگی شد. و چون صنعتی کردن بهانه‌ای بدست منافع ریشه‌دار بعضی از عناصر (و بسیاری از متفکران) برای احتراز از مسائل حقیقی و مشکل میدهد، ابعاد خطرات فوق بیشتر می‌گردد. حتی اگر صنعتی کردن برای آنچه که متفکران « جهش » (۸) بسوی رشد « خودبا » (۹) خوانده‌اند یکی از عوامل ضروری شناخته شود، عناصر صاحب منافع فوق، ضرورتی

برای تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی کشاورزی و دهقانی و یا بالا بردن میزان بهره‌دهی کشاورزی نمی‌بینند. ساختن کارخانه که اغلب با کمک سرمایه و نیروی انسانی خارجی‌ها صورت می‌گیرد به مراتب از تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی کشاورزی و دهقانی و طرز تنفی میلیون‌ها دهقان گرسنه از زندگی و کار، آسانتر است. و چون هیچکس نمی‌تواند یا صنعتی کردن مخالف باشد، این موضوع موقعیت صاحبان نفوذ دنیای عقب مانده را که اغلب منافع شخصی مستقیمی در صنعتی کردن دارند، مستحکم‌تر میکند.

این نحوه تفکر را نوعی برنامه‌ریزی سطحی متداول در کشور های عقب مانده، که با پیشداوری و بطور سرسری اولویت‌ها را تعیین میکند، تقویت کرده است. حقایقی که متذکر گشتم و نتایجی که به آنها نایل شده‌ام مرا وامیدارند که خود هر جا صحبت از اولویت‌ها میشود، اولویت اول را بشکاواری بدهم. ولی این طریق استدلال فرض میدارد که استفاده توأم راه‌حلهای مختلف و همسنگ دانستن این راه‌حلهای [ از لحاظ اقتصادی ] امکان‌پذیر نیست. این فرض در مجموع غلط است و یا قسمتی صحیح است [ و می‌توان علاوه بر کشاورزی و صنعت عوامل دیگری را نیز منظور داشت که اهمیت یکی کم از اهمیت دیگری نیست ] - [ زیرا ] اول اینکه، اصلاحات نهادی که ضروری است نواز لحاظ منابع مالی گران تمام میشود و نه از لحاظ ارزش خارجی. علاوه، بسیاری از سرمایه‌گذاری های کشاورزی بکارگران زیادی احتیاج دارند و نیروی نیمه شاغل بخش کشاورزی را بسیج می‌کنند. در این باره صحبت‌های زیادی شده، ولی عمل کمی صورت پذیرفته است. بهمین نحو، کوشش در راه بالا بردن سطح آموزش، بهداشت و سلامت به سرمایه‌گذاری زیاد مالی یا ارزش خارجی احتیاج ندارد. این کوشش‌ها در بسیاری از کشورهای عقب مانده حتی اگر فقط از نقطه نظر بهره‌دهی، یعنی اثر بالقوه آنها در رهائی دهاقین از بی‌اعتنایی و بی‌خیالی و کهنه‌پرستی های سنتسی تگریسته شوند نتیجه جالبی نداشته‌اند.

چون این اصلاحات و اصلاحات دیگر به سرمایه‌گذارهای مالی و ارزشهای خارجی نیاز می‌یابند ، علاوه بر اینکه موجب توسعه صنعتی - از طریق ساختن کارخانه‌های کوچک شیمیائی و ماشین‌های کشاورزی - می‌گردند اصولاً برای يك برنامه توسعه معقول و بارآور لازمند .

توصیه من در مورد عدم محدود کردن کشورهای عقب مانده‌ایکه به صورت پیشرفته‌تر برنامه‌ریزی دسته‌یافته‌اند و بر روی صنعتی شدن تکیه‌فراوانی کرده‌اند ، این نیست که باید راه دیگری را انتخاب کنند ، بلکه معتقدم که اینها باید توسعه صنعتی خود را در جهت استفاده حداکثر برای توسعه کشاورزی خود که عامل مهمی در توفیق یا شکست توسعه اقتصادی آنهاست هدایت کنند . لیکن ، نتیجه اصلی من اینست که صنعتی کردن به‌تهائی کافی نیست . حتی مهمتر ، مشه بالا بردن سریع و اساسی بهره نهمی نیروی کار و زمین بطور مستقیم است . اگر در مواجهه با این مسئله نت بست کنیم ، اگر به آن اولویتی کمتر از درجه دوم بدهیم ، آنوقت این نوع برنامه‌ریزی را ، حتی اگر موفق شده باشیم که موقتا چندتائی کارخانه ساخته باشیم ، محکوم به شکست کرده‌ایم .

## نقش کشورهای پیشرفته

باید فراموش کرد که قسمت اعظم حجم صادرات کشورهای عقب مانده کالاهای سنتی است و سهم بزرگی از آنرا محصولات کشاورزی تشکیل می‌دهند . در مجموع صادرات کشاورزی در حدود ۷۰ درصد از حجم کل صادرات را شامل می‌شوند . بدون حراست از بازار صادرات سنتی کشورهای عقب مانده که شاید تا دهها سال دیگر قسمت مهم کالاهای قابل فروش آنها را تشکیل دهند ، هرگونه اعتقادی به بهبود بخشیدن به موقعیت تجاری بین‌المللی این کشورها بیش از يك توهم نمی‌تواند باشد .

دلیل اساسی وخیم شدن موقعیت تجاری جهانی کشورهای عقب مانده تقابل رشد تقاضا برای صادرات سنتی و بخصوص محصولات کشاورزی است . تا آنجا که به تغییرات تکنولوژیکی و کشت ناچیز تقاضا نسبت به درآمد (۶۰) مربوط

میشود این روند را نمی‌توان تغییر داد . ولی بعضی اوقات تقابل فوق از مالیات‌هایی که بر روی کالاهای استوائی مانند قهوه می‌بندند - و این عمل مصرف را کم میکند - و از حمایت‌های دیگری که بطور مستقیم و غیرمستقیم به این نوع صادرات لطمه می‌زند ، ناشی میشود .

از کشورهای صنعتی پیشرفته ایکه خود هم اکنون در فرایند سریع توسعه قرار دارند و بهمین جهت می‌توانند منشاء کمکی باشند ، دو نوع تقاضا می‌توان داشت . اول اینکه ، اینها تمام تعرفه‌ها و مالیات های پولی وارده بر صادرات کشور های عقب مانده را بردارند . و دوم ، این کشورها موانع تجارتی حمایت‌کننده‌ای را که بطور مستقیم و یا غیرمستقیم موجب تحدید تقاضا برای واردات از کشورهای عقب مانده میشوند ابتدا پائین بیاورند و سپس بکنی حذف کنند . باید قبول کرد که کشورهای پیشرفته برای پذیرش تقاضای دوم - البته نه برای تقاضای اول - احتیاج بیک دوره انتقالی دارند ، زیرا که برای اینکار ابتدا باید به کاهش تولیدات داخلی تن در دهند . چون معمولاً بضع کشورهای پیشرفته‌یست که منابع خود را در تولید کالاهای سنتی وارد کردنی از کشورهای عقب مانده مجبوس سازند ، بطور دراز مدت يك چنین تغییر بنیانی در استفاده از نیروی کار و ظرفیت تولیدی ، یا منافع معقول آنها مطابق خواهد یافت .

تکنه دیگر ، اهمیت بسیاری است که باید برای چند چیز کردن (۱۱) - لااقل تا حد کمک های غذایی و دیگری محصولات کشاورزی قانو به کشورهای عقب مانده - قائل شد زیرا که از این طریق کشورهاییکه در حال حاضر مازاد تولید دارند و یا خواهند داشت حمایت و در واقع برای تولید کالاهای کشاورزی صادراتی تشویق می‌شوند . اگر این چنین نشود قابلیت تولید بالقوه آنها ، بخصوص وقتی که مشربهای طبیعی آنها کشورهای عقب مانده فاقد ارزش خارجی باشند ، بلااستفاده خواهند ماند . کمک‌های ایالات متحده و سایر کشورهای غنی اگر بصورت محصولات کشاورزی باشد

عاقبت الامر به‌ازبیین بردن بازار کشورهای تولیدکننده فوق منجر میشود . و اینها در وضعی نیستند که بتوانند از صادرات خود بگذرند . راجعل منطقی در این مورد واگذار کردن پول به‌اداره مدیریت کالاهای مازاد کشاورزی وابسته به قانو برای پرداخت قیمت صادرات این کشورهاست . این صادرات را می‌توان بعنوان کمک سایر کشورهای عقب مانده اعطا کرد .

گرچه سیاستهای مورد توصیه من که در بالا بطور خلاصه آوردم بضع کشورهای پیشرفته است - منافی که در حال حاضر به قیمت سرخوردگیهای کشورهای عقب‌مانده در کوشش‌های توسعه جویانه خود و تنش‌های بین‌المللی ، بدست‌میآید و زیاده‌می‌گردد - معیذاً کشورهای فوق صرفاً بعلمت حکمی که منطقی و آرمانها می‌کنند ، به‌اتخاذ چنین سیاست‌هایی دست نخواهند زد . لازمست که کشورهای در حال توسعه در این مورد از اعمال فشار کوتاهی نکنند . با بالا رفتن این

- 1) Under utilized labor
- 2) Labor-intensive
- 3) Rationalization
- 4) Backwash
- 5) Productivity
- 6) Urbanization
- 7) FAO Freed from Hunger Campaign
- 8) Take-off
- 9) Self-sustaining
- 10) Low income elasticity of demand
- 11) Multilateralization

توافق بین بیش‌از دو کشور برای تجارت بدون اینکه برقراری موازنه پرداختهای تجاری مورد نظر باشد ، مترجم .



طرح از : علی عنایت